

عنوان مقاله:

خودآگاهی و تبیین استنتاج گرایانه کسام از آن

محل انتشار:

دو فصلنامه تأملات فلسفی، دوره 8، شماره 21 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

نویسندگان:

زهرا سرکارپور - دانشگاه قم، قم، ایران

زهرا خزاعی - استاد

محسن جوادی - Qom

خلاصه مقاله:

فیلسوفان در پاسخ به این سوال که چگونه حالات ذهنی خودمان را می دانیم، تبیین های متعددی ارائه کرده اند. کسام در پاسخ به این سوال، نظریه استنتاج گرایی را مطرح کرده است. به اعتقاد او بر خلاف آنچه شهودا احساس می کنیم، هیچ نوع دسترسی بیواسطه به حالات ذهنی خود نداریم؛ بلکه ما بر اساس یک سری شواهد بیرونی و درونی، و از طریق فرایند استنتاج، حالات ذهنی مان را می شناسیم. بویل این تبیین را تبیین خوبی برای خودآگاهی نمی داند. او معتقد است تبیین استنتاجی از خودآگاهی به گونه ای است که گویا ما از حالات ذهنی خودمان بیگانه ایم. کسام هم در مقابل، اشکال بویل را نمی پذیرد. در این مقاله نشان خواهیم داد که اولاً کسام مقصود بویل از مفهوم بیگانگی را به درستی درنیافته است و اگر مقصود او را دریابد، وجود آن را در استنتاج گرایی گریزناپذیر خواهد یافت. ثانياً اگر کسام در پی پذیرش این مسئله ادعای خود را محدودتر کند و استنتاج گرایی را تبیینی برای همه انواع خودآگاهی معرفی نکند، مسئله بیگانگی، حیات استنتاج- گرایی را، به عنوان تبیینی خوب برای طیف قابل توجهی از مصداق های خودآگاهی، به خطر نخواهد انداخت.

کلمات کلیدی:

خودآگاهی، کسام، استنتاج گرایی، بیگانگی، بویل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/896557>

